

استراتژی‌های توسعه فرهنگی در نواحی

روستایی

پژوهشی موردی در نواحی روستایی بخش پشت آب سیستان

■ عیسی ابراهیم زاده

مدیر کل پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان

■ مقدمه

اگر مروری در تاریخ داشته باشیم، درخواستیم یافت که لازمه بنیانگذاری هر نظام و پیشرفت هر جامعه، وجود دو نوع تمدن بوده است. اول تمدن مادی و دوم تمدن فرهنگی و معنوی. تمدن مادی شامل ابزار، روشها و کاربردها بوده و تمدن فرهنگی مضمون بنای مستحکم اندیشه‌ها، اهداف، بینشها و دریچه‌های شناخت را به همراه داشته است. اگر نظامی از یکی از این دو تمدن به هم پیوسته و به هم وابسته غافل شود به طور یقین، شکوفایی و صعود برایش فراهم نخواهد شد. در سرتاسر تاریخ همه تمدنهایی که وجود داشته‌اند به این دو عامل مادی و فرهنگی مجهز بوده‌اند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه این تمدنها سقوط کردند؟ یا علائم سقوط و ضعف و ناتوانی در آنها پیدا شد؟ جواب آنی و نظری این است که وقتی این تمدنها به شکوفایی و بالندگی رسیدند، نتوانستند میان تمدن مادی و تمدن فرهنگی خود انسجام درونی ایجاد کنند. بدین ترتیب، مشکلاتی داخلی و خارجی پیدا کردند، پویایی علمی و فکری خود را از دست دادند و به تدریج و ناخواسته رو

به اضمحلال نهادند. اینک می‌توان گفت: جامعه‌ای به سمت توسعه گام برخواهد داشت که در راستای انسجام درونی حرکت کند. در بحث توسعه، مسأله عوامل داخلی و خارجی توسعه مطرح است. اما توسعه واقعی در گرو مجموع شرایط اقتصادی، اجتماعی بخصوص شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه در داخل نظام می‌باشد. چنانچه گفته می‌شود که: توسعه کره جنوبی مرهون سرمایه‌های آمریکایی و پوشش نظامی آمریکا و فضای مساعد منطقه‌ای و بین‌المللی، برای توسعه یافتگی بوده است. گرچه این عوامل مهم بوده است اما در توسعه یافتگی کره جنوبی، نقش تعیین کننده نداشته، بلکه در جامعه و فرهنگ کره، زمینه‌های مساعدی برای توسعه یافتگی وجود داشته است.^(۱)

■ تعاریف و مفاهیم فرهنگ و توسعه روستایی

در تعریف فرهنگ می‌توان گفت: مجموعه آداب، اندیشه‌ها، دیدگاهها، اعتقادات و ارزشهای یک قوم یا یک جامعه که برخوردار از وحدت رویه در مورد پذیرش

این مجموعه باشند و به صورت بديهی و عینی بر همگان جلوه نماید، فرهنگ نامیده می‌شود. آنچه در این بیان در تعریف فرهنگ مهم به نظر می‌رسد عمومیت داشتن و مقبولیت عام سنتها و ارزشهای اجتماعی می‌باشد. در واقع وحدت فرهنگی و یگانگی برداشتهای آحاد مردم یک جامعه از آداب و سنن و ارزشهای رایج در آن جامعه مورد نظر است، که گرچه در این وحدت فرهنگی، تنوع ذوق و سلیقه قابل قبول است، لیکن تشتت و تخاصم به هیچ وجه قابل قبول نمی‌باشد.

در بحث فرهنگ و توسعه، از عامل فرهنگ اینطور تعریف شده که: فرهنگ به معنی مجموعه‌ای از آرا و عقاید است، مشروط به این که این آرا و عقاید، دارای دو ویژگی و مشخصه اصلی باشد:

۱- مورد قبول و پذیرش اکثریت مردم جامعه باشد.

۲- پذیرش این آرا و عقاید الزاماً در گرو اقتناع کردن یا شدن در یک بحث و بررسی علمی نباشد.^(۲) به عنوان مثال در مورد نقش و جایگاه زن در زندگی خانوادگی در جامعه ایران، تقریباً همگی ما

دارای آرا و عقاید خاص و مشترکی هستیم. مثلاً معتقدیم که خانه‌داری، آشپزی، نگهداری و مواظبت از فرزندان و... از جمله وظایف ویژه زن در مجموعه خانواده است. می‌بینیم که این ایده و عقیده دارای دو مشخصه مطرح شده در بالا است. یعنی هم اکثریت جامعه این نظر را پذیرفته‌اند و هم برای پذیرش آن نیازی به بحث و بررسی علمی نبوده است. پس از نظر ما این باور و اعتقاد، باور و اعتقادی فرهنگی است.

■ باور فرهنگی و اثرات مثبت و منفی آن در امر توسعه

بسیاری از باورهای فرهنگی وجود دارند که برای همگان مقبولیت عام یافته‌اند و همگان، در جامعه دارای رای مشترکی نسبت به آنها هستند، از جمله: رابطه پدر و فرزند در خانه چگونه باید باشد، رابطه مادر و فرزند چگونه باشد، جایگاه و منزلت بقال، کارمند، طبیب، روحانی و... چیست؟ در همه این موارد، مجموعاً ما دارای باورها و اعتقادات نسبتاً مشابه هستیم. که به آنها باورهای فرهنگی اطلاق می‌شود. البته این باورهای فرهنگی، در جوامع مختلف، بسته به شرایط اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، مذهبی، قومی و... و در زمانهای مختلف، متفاوت و گاهی متضاد است، که در اینجا مجال پرداختن به آن نمی‌باشد. فرهنگ و توسعه، رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند.

به طوری که فرهنگ، اساسی‌ترین محور توسعه قلمداد می‌شود. چرا که امروزه، مرکز ثقل مفهوم توسعه به نحو محسوسی از سطح اقتصادی به سطح اجتماعی انتقال یافته است و هم‌اکنون این تحول به سوی هدف فرهنگی پیش می‌رود. به طوری که اقتصاددانان نیز پذیرفته‌اند که توسعه واقعی، توسعه همه جانبه است و سخن گفتن از توسعه فرهنگی تنها لفظ و استعاره نیست، بلکه جزء جدانشدنی توسعه بوده

یکدیگر است که توسعه واقعی متحقق، خواهد شد. چرا که همچنان که یک درخت سالم نیازمند ریشه سالم، آب، کود و هوای کافی و مناسب و همچنین تنه و شاخ و برگ سالم است، اگر همه این عوامل یکجا وجود نداشته باشند، درخت با طراوت و شکوفا نخواهد شد و از رشد کمی و کیفی لازم برخوردار نخواهد بود. توسعه همه جانبه نیز مستلزم چنین یکدستی و هماهنگی است که در راس و مبدا این عوامل، عامل فرهنگی به مثابه ریشه و منبع اصلی توسعه تلقی می‌شود.

■ زمینه‌های توسعه فرهنگی

در ناحیه روستایی پشت آب سیستان که مورد مطالعه قرار گرفت، مشاهده می‌کنیم که ریشه‌های فرهنگی و باورهای مردم تا اعماق سنتها و ارزشهای خاص حاکم بر اغلب جوامع توسعه نیافته، کشیده شده است. حاکمیت نگرش علمی، در باورهای فرهنگی این مردم جایگاه مشخصی ندارد. این امر، بعضی از زمینه‌های گسترش توسعه، خصوصاً نوآوری و توسعه همه جانبه را ممکن است به تعویق اندازد یا حداقل، روند گسترش آنرا، کند نماید. بنابراین حاکمیت نگرش علمی، بر باورهای فرهنگی جامعه از ضروری‌ترین فرآیندهای توسعه در جوامع روستایی بشمار می‌رود. چرا که اگر نگرش علمی بر جامعه حاکم شود، همه به سادگی درک خواهند کرد که هر حادثه و یا پدیده‌ای علت یا عللی دارد، هر علت یا هر گروه از علتها نیز قابل کشف‌اند که کشف آنها نیز باید به روش علمی صورت گیرد. با این شناخت، قابل فهم خواهد بود که انجام کارهای بزرگ، مستلزم زحمت و تلاش در زمینه‌های متعدد و کوچک ولی همراه با صبر و حوصله علمی است و این امر روشن خواهد شد که مفهوم توسعه همه جانبه، انجام کارهای بزرگ در زمان کوتاه نیست، بلکه تلاش و جدیت و مشارکت و همکاری عامه جامعه روستایی را می‌طلبد تا کم کم موانع و مشکلات توسعه نیافتگی، یکی پس از دیگری مرتفع و زمینه‌های ترقی و توسعه به مرور زمان برای آحاد مردم فراهم گردد. در کنار نگرش علمی باید جامعه به این باور فرهنگی برسد که همه انسانها با هم برابرند و هیچ کس بر دیگری رجحان و برتری نداشته و ندارد و همه باید هماهنگ و هم صدا و به یک میزان در

و امروزه اثر آن، بیش از پیش، در توسعه واقعی روشن گردیده است. (۳) مجموعه باورهای فرهنگی اکنون پایه و اساس رفتار انسانی در امر توسعه می‌باشد. چنان که در مثال قبل گفتیم، جامعه ما، در خصوص نقش و جایگاه زن، دارای باورهای فرهنگی خاصی است و معتقد است که زن باید امور خانه‌داری، آشپزی مواظبت از بچه و... را برعهده داشته باشد. حال با کمی دقت در این امر می‌بینیم که قسمت اساسی فعالیت و رفتار زنان جامعه ما براساس همین باور شکل گرفته است و اثر بسیار مهم اقتصادی این نوع رفتار این است که جمعیت شاغل در مملکت، به نصف توان واقعی خویش تنزل نماید.

حال چنانچه به جای این باور اعتقاد می‌داشتیم که زن و مرد، باید هر دو به طور مشترک و یکسان در فعالیت تولیدی خارج از خانه و زندگی داخلی خانواده نقش داشته باشند، جمعیت فعال ما احتمالاً از حدود ۱۳ میلیون نفر فعلی به بیش از ۲۵ میلیون نفر افزایش می‌یافت و حجم اشتغال کشور شدیداً متفاوت می‌بود. لذا می‌بینیم که قسمت اعظم رفتار انسانی، چه رفتار کم اهمیت و چه رفتار بسیار مهم، براساس باورهای فرهنگی صورت می‌گیرد. پس فرهنگ پایه رفتارهای انسانی به شمار می‌رود و در نتیجه بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی - اجتماعی نیز که راه‌آورد توسعه را به همراه دارند، بر این بنیان استوار است. (۴)

در واقع می‌توان گفت: فرهنگ مناسب، به مثابه ریشه درخت توسعه، عمل می‌نماید که در آب و خاک آموزشی مناسب، گسترش می‌یابد. با تغذیه مناسب و به موقع آموزشهای کمی و کیفی است، که فرهنگ هرچه بیشتر در جامعه ریشه می‌داند و در کنار سرمایه و مدیریت مناسب در یک نظام پایدار و مستحکم، به بالندگی و رشد خویش ادامه خواهد داد. باز در سایه هماهنگی و بسط و گسترش همه این عوامل با

● مرکز ثقل مفهوم توسعه بنحو محسوسی از سطوح اقتصادی به عرصه‌های اجتماعی انتقال یافته و هم اکنون این تحول به سوی اهداف فرهنگی پیش می‌رود.

مستقیم و غیر مستقیم در میان این مردم ممکن خواهد شد، البته زمان بیشتری را نیز می‌طلبد، پایه این آموزشها نیز کار فرهنگی و پرورشی با فرزندان روستاییان است که در دراز مدت، جواب قطعی خواهد داد. در کوتاه مدت هم با کارهای ترویجی و آموزشی برای خود روستاییان و ارتباط بیشتر مروجین و دیگران با مردم روستا (در میان آنها بودن) می‌توان نتایج نسبتاً مطلوبی را کسب نمود. بدین معنی که مروج و آموزشگر روستایی باید در خود روستا اقامت گزیند و با روستاییان و دوشادوش آنان در مزرعه و محل کارشان حضور دائمی داشته باشد. تا از طریق هم بتواند، آموزش تئوری بدهد و هم در عمل به ترویج یافته‌های علمی در مزارع و محل نگهداری دام و کارگاه تولید صنایع دستی روستا، اقدام نماید. در غیر اینصورت تلاشهای آموزشی و ترویجی چندان، قرین موفقیت نخواهد بود.

علاوه بر این، می‌توان مدل‌های فرهنگی مطلوب در تولید، توزیع، مصرف و همچنین ارزشها و باورهای فرهنگی، اجتماعی و حتی آموزشهای فنی و تخصصی را از طریق رادیو، تلویزیون و همچنین کتاب و جراید و سینما و تئاتر نیز به روستاییان منتقل کرد. اما متأسفانه نه تنها در این ناحیه کتابخانه و نشریه و سینما و تئاتر اصلاً وجود ندارد، حتی پوشش رادیو و تلویزیون هم کامل نیست. در عین حال هیچ برنامه محلی‌ای در خصوص روستا و مسایل روستائینان و حتی مسایل عمومی نیز وجود ندارد.

■ پیشنهادات اصلاحی و راهبردی به منظور گسترش اثرات عامل فرهنگی در توسعه روستایی

۱ - پوشش سواد آموزی در این ناحیه گسترش یابد و همزمان نهضت سوادآموزی و آموزش رسمی (دبستان، راهنمایی، دبیرستان) تمام روستاییان

دام و بازده و تولید آن افزوده خواهد شد. (۶) حال اگر چنانچه روحیه و نگرشی علمی و توجه عقلایی به پدیده‌ها در این روستاییان تقویت گردد و از طریق اشاعه و آموزش ارزشها و باورهای فرهنگی مثبت بتوانیم بعضی از سنتهای بی‌پایه و اساس، که در میان آنان رواج دارد را، ریشه کن نماییم و نسبت به عدم صحت و بی‌اساس بودن این ذهنیتهای آنها را آگاه نماییم، بزرگترین قدم را در راه توسعه برداشته‌ایم. به طوری که مثلاً: اعتقاد افراطی به قضا و قدر و همه چیز را به شانس و سرنوشت نسبت دادن که در این نواحی و در باورهای سایر روستاییان از جایگاه محکمی برخوردار است. آنان را واداشته که کمتر از خود تلاش و بویایی در جهت یافتن راه‌حلهای منطقی و یقینی در برابر نابسامانیهای طبیعی و مشکلات مادی و معنویشان، نشان دهند. گرچه که حتی یا چنین باوری نیز مردم این ناحیه در سخت‌کوشی و استقامت در برابر ناملایمات زباززد خاص و عام هستند، لیکن تنفر منطقی و نگرش علمی غیر از تلاش و مقاومت بدون شناخت و احساسات است. بنابراین می‌بینیم که همین باورهای غلط بوده است که باعث شده، سالیان متمادی خوانین و اربابان برگزیده این مردم سوار شده و حاصل دسترنج و تلاش و زحمت اینان را به یغما برند، و از این رهگذر خود و خانواده‌اشان آقای این مردم باشند و آنها را همچنان مظلوم و مغلوب و محتاج نان شبشان نگهدارند. در صورتی که اگر مردمان این روستاها به جایگاه و حقوق خویش در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند به حق آگاه می‌بودند، و به پدیده‌ها و دنیای پیرامون خود با واقع بینی و دیده عقلایی نگاه می‌کردند، هرگز زیر بار ظلم خان و ارباب و غیر او نرفته، خود و خانواده‌شان را از فقر و فلاکت نجات

می‌دادند. پس اولین قدم در باور کردن فرهنگ این مردم، آگاه کردن آنان به حقوق و توانمندیهایشان از طریق ایجاد روحیه و نگرش علمی در باورهای فرهنگی‌شان می‌باشد. این امر نیز از طریق آموزش

تمامی امور مشارکت و همکاری داشته باشند و در عین حال به رعایت حقوق یکدیگر، خود را موظف دانسته و از نظم‌پذیری جمعی در همه امور برخوردار باشند، در این صورت است که فرهنگ جامعه پذیرای تغییر و تحولات کمی و کیفی در جهت رشد و تعالی و توسعه و ترقی خود، خواهد بود. البته مردمان این ناحیه، بعضاً، هم دارای بار فرهنگی بسیار وزین و معناداری هستند که تقویت آن، زمینه‌های بسیار مساعدی را در جهت توسعه و تعالی منطقه بوجود خواهد آورد. از آن جمله می‌توان به سلحشوری، استقامت، صبر، قناعت و بردباری آنان اشاره کرد و همچنین پایداری و مقاومت در مقابل نارساییها و مشکلات و سخت‌کوشی و پایداری در برابر ناملایمات طبیعی و جغرافیایی را می‌توان نام برد. علاوه بر این، باورهای فرهنگی عمیقی که نسبت به بهره‌برداری کشاورزی و سنت دامداری و دامپروری دارند، قابل توجه و تعمق است. این باورها و ارزشهای فرهنگی باید حفظ و تقویت گردد و در کنار آن امکانات و تسهیلات لازم جهت بهره‌برداری هرچه بیشتر از این توانمندیها فراهم گردد، تا بتوان توسعه و ترقی مادی و معنوی این ناحیه را با بهره‌گیری از زمینه‌های موجود تسریع نمود. (۵) بدین معنی که با حاکم بودن روح فرهنگ کشاورزی و دامداری در میان این مردم می‌توان با اعتبارات و تسهیلات بانکی و تهیه و تامین سرمایه و تکنولوژی لازم:

۱ - سطح زیر کشت را افزایش داد.
۲ - میزان تولید در واحد سطح را بهبود بخشید.
در کنار آن، می‌توان آب مورد نیاز در کشاورزی را از طریق حفر و ایجاد کانالهای بتنی تضمین و هدایت کرد، تا هم آب به موقع در دسترس باشد و هم از تبخیر و تعرق بیجای آن جلوگیری و در مصرف آن صرفه‌جویی بعمل آید. اینک کشاورزی که آب و خاک مناسب در اختیار دارد و از فرهنگ عمیق کشاورزی نیز برخوردار است، به راحتی در راه توسعه و تعالی خود و جامعه خویش، گام برخواهد داشت. در مورد دامداری نیز این حکم صادق است، چون فرهنگ و باورهای ارزشی جهت این کار در میان عشایر و دامداران حکمفرماست، در صورتیکه زمینه و تسهیلات لازم دیگر نیز فراهم گردد به طور قطع بر رونق و گسترش

● توسعه همه جانبه به معنای انجام کارهای بزرگ در زمان کوتاه نیست. این امر تلاش، جدیت مشارکت و همکاری آحاد جامعه روستایی را می‌طلبد تا بتدریج موانع توسعه نیافتگی مرتفع شود و زمینه‌های ترقی و توسعه پایدار مهیا گردد.

(افراد ۶ ساله و بیشتر) را تحت پوشش آموزشی قرار دهند، تا زمینه پذیرش ارزش‌های فرهنگی غنی و روحیه نگرش علمی، در میان توده‌های روستای این ناحیه فراهم گردد، و در عین حال توانایی کسب مهارت‌های تولیدی برتر نیز در بین آنها تقویت شود.

۲- آموزش‌های ترویجی و تخصصی و فنی (در ارتباط با کار کشاورزی و دامداری و صنایع دستی) از طریق مروجان کارآموده و دلسوز در این روستاها توسعه یابد، تا از این رهگذر بازده محصول و کار و تلاش این مردم، به حد مطلوب برسد، این عمل خود به خود، باورهای کهنه (مثلاً: ای بابا، تو تخمی در زمین بپاش روزی را خدا می‌رساند. یا این که: سرنوشت هرکس به پیشانی او نوشته شده است. یا: خدا که خلق کرده روزی هم می‌دهد. یا این که اگر کسی مریض می‌شود، برایش از ملای ده دعا می‌گیرند. یا او را به زیارت‌های بیشماری که در اکثر روستاها ابداع شده می‌برند تا به بزشک و...) را از ذهن آنها پاک خواهد نمود، و واقع بینی و علت یابی قضایا و مسایل را در آنها رشد خواهد داد. همچنین شناخته‌های حاصله، باعث خواهد شد که اعتقاد به لزوم رعایت حقوق دیگران در آنها تقویت گردد، در صورتی که اگر به واقع و در عمق باور فرهنگی به برابری انسانها معتقد شدیم، آن وقت خود به خود به این باور خواهیم رسید که سایر مردم هم دارای همان حقوقی هستند که برای خود قائلیم. (آنچه که به خود نمی‌بسنی برکس می‌بسنند برادر من) برابری انسانها این امر را الزامی می‌سازد که حقوق دیگران مورد احترام فرد قرار گیرد و به قول معروف با این طرز تفکر یا راه اندازه گلیم خود دراز خواهد کرد. آنگاه دیگر ظلم و تعدی به کسی نخواهد کرد و از کسی نیز ظلم و جورری را تحمل نخواهد نمود.

با چنین دیدگاه و باور فرهنگی خواهد بود که توسعه، به حق معنا پیدا می‌کند و این مردم با تلاش و

همت خویش پایه‌های آنرا در روستا و محل خویش مستحکم خواهند نمود.

۳- یکی دیگر از ارکان باورهای فرهنگی مثبت که باید در میان این مردم رواج پیدا کند، لزوم «نظم پذیری جمعی» است، که باید به عنوان یک باور فرهنگی اساسی پذیرفته شود^(۷) حال اگر این باور در میان روستاییان تقویت گردد، دیگر یک احساس جمعی و انسجام گروهی مستحکم در این روستا رواج خواهد یافت. بدین معنی که کشاورز روستایی اگر به موقع در محلی کار و مزرعه خود حاضر نشود، نه تنها خود و خانواده وی محصول کمتری عایدشان خواهد شد، بلکه تولید و بازده نهایی روستا نیز تقلیل خواهد یافت، چرا که یک روستا متشکل از فرد، فرد مردم و کشاورزان می‌باشد و اگر هر یک از آنان جداگانه وظایف و اعمال فردی و اجتماعی خویش را انجام ندهد، در نهایت، کل روستا متضرر خواهد شد. لذا اگر چنین روحیه‌ای به لحاظ فرهنگی در روستاییان بارور گردد، آنان با اشتراک مساعی و مشارکت و همیاری خواهند توانست، بسیاری از کمیودها و نارساییهای موجود در روستا نشینان را تامین نمایند و بر بسیاری از مسایل و مشکلات مبتلا به آن در این ناحیه فایق آیند.

۴- در نهایت اینکه لازم است اعتقاد به فقر و ریاضت بیجا و گرمای داشتن این نوع اعتقادات و باورهای فرهنگی در نواحی روستایی از بین برود. چرا که اگر قرار است توسعه‌ای فراگیر و جامع الیاعداد در روستاها بوجود آید، نباید فقر و محرومیت و به اصطلاح چشم پوشیدن از دنیا در میان روستاییان یک ارزش تلقی گردد. بلکه این باور باید جا بیفتد که دین و دنیا هر دو بر مردم لازم است، چه بسا که افرادی خود در قصر و ناز و نعمت زندگی می‌کرده‌اند (یا می‌کنند) و به مردم توصیه می‌نموده‌اند که دنیا بی‌ارزش است و مال دنیا دست و پاگیر آخرت. پس

ضروری است تصور غلط نیز به منظور فراهم نمودن زمینه‌های توسعه همه جانبه از افکار این مردم زدوده شود.

■ نتیجه گیری

در جمع‌بندی پایانی، می‌توان ابراز داشت که زمینه‌های متعدد فرهنگی و باورهای موجود در فرهنگ مردم این ناحیه اگر درست هدایت و بکار گرفته شود، می‌تواند، به نحو بارز و رهگشای توسعه روستاهای آنان گردد. این زمینه‌ها عبارتند از:

۱- وجود زبان مشترک (زابلی) و بسیار نزدیک به زبان فارسی محاوره‌ای که زمینه ساز تسهیل امر آموزش و شناخت بهتر و بیشتر آنها از خود و محیطشان می‌باشد و وحدت فرهنگی خاصی را بر آنها حاکم ساخته است. همچنین این امر باعث شده، نظام ارزشی و سازمان و سازمان خانوادگی و اجتماعی مشابهی در آنها بوجود آید.

۲- اعتقادات ایدئولوژیکی و مذهبی حاکم بر این جامعه از نابتترین و پربارترین اعتقادات عالم می‌باشد، گرچه که برخی خرافات و باورهای واهی، نیز به غلط در آن راه یافته است. لیکن دین مبین اسلام با جهان بینی جهان شمولی که داراست، اگر درست تبیین و فهمانده شود، می‌تواند در بسیاری از زمینه‌های توسعه و ترقی رهگشا باشد. این امر نیز در گرو زدودن اعتقادات و باورهای عامیانه و سنتهای پوچ است که از طریق آموزش و تبلیغ و ترویج عملی خواهد شد.

۳- نوع زندگی و سکونت آنها با شرایط محیط طبیعی و ویژگیهای جغرافیایی حاکم بر منطقه تطابق دارد و توانسته‌اند با تلفیقی از سکونت یکجانشینی و کوچ نشینی از امکانات محیطی (زراعت و دامداری) در طول سالیان متمادی بهره‌برداری نسبتاً مطلوبی بنمایند. با تقویت این فرهنگ و ایجاد تسهیلات و امکانات بهتر و بیشتر، می‌توان، توان تولید و بازده کار و محصول آنان را افزایش داد و توسعه همه جانبه را در این ناحیه فراهم نمود.

۴- وجود روحیه فداکاری، سلحشوری و استقامت، صبر و قناعت، و سخت کوشی و تلاش، در میان این روستاییان بسیار ممدوح و ستودنی می‌باشد که لازم است تقویت گردد و در کنار آن باورهای سست

مشکل دیگری که امروزه در صحنه قالی و قالیبافی کشورمان بسیار محسوس است و تأثیر بسیار سویی را بر بازارهای جهانی فرش ایران گذارده است، عدم وجود معیارها و شورای استاندارد (تأیید کیفیت) فرش ایران می‌باشد، به گونه‌ای که در سالهای اخیر، با توجه به قوانین تجاری کشور، بسیاری از افراد بدون توجه به کیفیت فرش بافته شده چه به صورت کلان و چه به طور جزئی، اقدام به صدور فرش به خارج از کشور کرده‌اند که بسیاری از آنها کیفیتی پایین‌تر از حد اولیه یک فرش را داشته‌اند و موجبات بی‌اعتباری فرش ایران را در بازارهای جهانی فراهم نموده‌اند.

در این زمینه نیز پیشنهاد می‌گردد، شورای عالی تأیید کیفیت فرش ایران، متشکل از کارشناسان خبره امر تشکیل گردد و صدور فرش بدون مهر تأیید و اتیکت این شورا را ممنوع اعلام گردد. این امر در ابتدا ممکن است، موجب کاهش مقدار صادرات فرش ایران گردد، ولی بدون تردید در فرصت نه چندان طولانی، زمینه‌های ارتقاء کیفیت فرش ایران را فراهم خواهد نمود. از سویی کیفیت تأیید شده فرشهای صادراتی می‌تواند از لحاظ ارزش اقتصادی جبران‌کننده کاهش مقدار صادرات فرش گردد و به مرور، اعتبار از دست رفته فرش ایران را در بازارهای جهانی فراهم آورد.

امید آنکه مسئولان امر با فراهم نمودن زمینه‌های هرچه بیشتر تبادل دیدگاهها و توجه کافی به نظر صاحب نظران فرش ایران و حرکت در راستای آنها، بستر مناسبی را برای بهبود هرچه سریعتر وضع فرش دستباف ایران فراهم آورند و همگان شاهد شکوفایی این صنعت هنرمندانه در آینده‌های نزدیک باشیم.

زیر نویس ها:

- ۱) فرش پا زبریک: قطعه فرش تاریخی متعلق به دورهٔ مخامشیان و سلوکیان که حدود ۴۰ سال پیش در محلی به همین نام در جمهوری مغولستان کشف شد.
- ۲) تازه‌های آمار شماره ۱۵ - سازمان برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران - شهریور ۷۳ - صفحه ۷۱
- ۳) سخنرانی جناب آقای فروزش وزیر جهادسازندگی در اولین جشنواره و نمایشگاه ترویجی فرش دستباف خراسان. مجله جهاد روستا - سال پانزدهم - شماره ۳۲۶ - فروردین ۱۳۷۴ - ص ۴۴
- ۴) مصاحبه آقای نصرت ... محمودزاده - مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های فرشباغ روستایی - مجله جهاد روستا - شماره ۳۲۷ - صفحه ۲۲

● بقیه از صفحه ۱۱

و بی‌اساس مثل : همه چیز را به سرنوشت سپردن و غیره نیز وجود دارد که باید از باور و ذهن آنان زدوده و پاک گردد و به جای آن نگرش علمی و توجه به پدیده‌ها با نگرش علت و معلولی تقویت گردد. تا از این طریق نیز بتوان، تلاش و بویایی آنان را در جهت توسعه، صد چندان نمود.

۵ - زمینه پذیرش فرهنگ و تکنولوژی جدید با توجه به تحولات دهه‌های اخیر در روابط بین‌الملل اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی در کشورمان که باعث شد تا روحیه ریسک پذیری و مواجه شدن با عدم حتمیت در پدیده‌ها در آنان ایجاد گردد. لیکن این زمینه هم اکنون در این روستاها بسیار ضعیف است، ولی تا حدودی، مقبولیت نسبی در این ناحیه نیز پیدا کرده است. پس لازم است این فکر بیش از پیش تقویت گردد و در میان اهالی روستایی، عمومیت پیدا نماید. چرا که توسعه واقعی در بویایی جنین فرهنگی در روستاها متحقق خواهد شد. این امر قاعدتاً از طریق تقویت روحیه علمی و نظم پذیری و آموزش بطور مشخصی عملی خواهد بود. این آموزش می‌تواند، از طریق برنامه‌های رادیو و تلویزیون و غیر مستقیم باشد و یا از طریق سرورجین و آموزشگران روستایی و مشخصاً آموزش رسمی (دبستان، راهنمایی و دبیرستان) به طور مستقیم باشد، پس می‌توان گفت توسعه روستایی دست یافتنی است، لیکن از طریق پرورش فرهنگی، الگوهای فرهنگی غنی و مشخصاً باورهای فرهنگی بویا و کارآمد، که در این ناحیه روستایی باید گسترش و توسعه یابد. (۸)

■ پی‌نوشت ها :

- ۱ - سریع القلم - محمود - سنت، مدرنیسم و فرهنگ توسعه - اطلاعات سیاسی اقتصادی - مهر و آبان ۱۳۷۱
- ۲ - عظیمی (آرانی) - حسین - مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران - نشر نی - ۱۳۷۱ ص ۱۸۰
- ۳ - صفدری - مهدی - نقش سرمایه انسانی در نوآوری تکنولوژیکی - دانشگاه اصفهان - ۱۳۷۱ ص ۷۸
- ۴ - عظیمی - حسین (مأخذ بالا) ص ۱۸۲
- ۵ - ابراهیم زاده - عیسی - راهبردهای رشد و توسعه روستایی در سیستان - دانشگاه سیستان و بلوچستان - حوزه پژوهشی - سال ۱۳۷۲ ص ۳۷۳
- ۶ - ابراهیم زاده - عیسی - استراتژی یا رشد و توسعه روستایی در سیستان - نمونه ۱۶۰ روستای پشت آب، دانشگاه سیستان و بلوچستان - سال ۱۳۷۲ ص ۴۷۵

- ۷ - عظیمی - حسین (همان مأخذ) ص ۱۸۵
- ۸ - ابراهیم زاده - عیسی (همان مأخذ) ص ۳۶۹
- ۹ - ازکیا - مصطفی - مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات تهران - سال ۱۳۷۰
- ۱۰ - رفیع پور - فرامرز - جامعه روستایی و نیازهای آن - شرکت سهامی انتشار - چاپ دوم سال ۱۳۷۰
- ۱۱ - لوئیس - آرتور - برنامه‌ریزی توسعه - ترجمه مجید آریانی نژاد - انتشارات امیرکبیر - سال ۱۳۷۰
- ۱۲ - لهسانی زاده - عبدالعلی - تحولات اجتماعی در روستاهای ایران - انتشارات نوید شیراز - سال ۱۳۶۹
- ۱۳ - فجر، عباس - توسعه منطقه‌ای (روشهای نو) ترجمه سازمان برنامه و بودجه - سال ۱۳۶۸
- ۱۴ - مطوف، شریف، بازسازی و توسعه (مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی توسعه - موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه سال ۱۳۷۱

■ منابع و مؤاخذ :

- ۱ - ابراهیم زاده، عیسی - راهبردهای رشد و توسعه روستایی در سیستان - دانشگاه سیستان و بلوچستان، حوزه پژوهشی ۱۳۷۲
- ۲ - ازکیا، مصطفی - مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، تهران - سال ۱۳۷۰
- ۳ - رفیع پور، فرامرز - جامعه روستایی و نیازهای آن، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، سال ۱۳۷۰
- ۴ - سریع القلم، محمود - سنت مدرنیسم و فرهنگ و توسعه، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۱
- ۵ - صفدری، مهدی - نقش سرمایه انسانی در نوآوری تکنولوژیکی، دانشگاه اصفهان، دانشکده اقتصاد - سال ۱۳۷۱ (پایان نامه دوره کارشناسی ارشد)
- ۶ - عظیمی، (آرانی)، حسین - مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی - سال ۱۳۷۱
- ۷ - لوئیس، آرتور - برنامه ریزی توسعه، ترجمه مجید آریانی نژاد، انتشارات امیر کبیر - سال ۱۳۷۰
- ۸ - لهسانی زاده، عبدالعلی - تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، انتشارات نوید شیراز - سال ۱۳۶۹
- ۹ - فجر، عباس - توسعه منطقه‌ای (روشهای نو) ترجمه، سازمان برنامه و بودجه - سال ۱۳۶۸
- ۱۰ - مطوف، شریف - بازسازی و توسعه (مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی توسعه) موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه - سال ۱۳۷۱

